


Institutional power in the international order: Opportunities and challenges of the Asian Infrastructure Investment Bank for China

Fariborz Arghavani Pirsalami

Corresponding Author, Associate Professor in International Relations, Shiraz University, Shiraz, Iran.


Email: farghavani@shirazu.ac.ir

 0000-0002-6180-7751

Hosein Alipour

M.A in Regional Studies, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Email: h.alipour18@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

China's rise in the world order has made discussions about the relationship of this government with the international order left by Bretton Woods and its future among China scholars and policy makers. One of the important aspects of this discussion is the explanation of China's approach to the global institutional order. While acknowledging China's dissatisfaction with international financial institutions and this country's efforts to gradually rebuild an alternative to this system, the establishment and operation of the Asian Infrastructure Investment Bank is in line with China's efforts, which can be considered within the framework of the institutional power. Based on this, this article aims to recognize the capacities of this bank in realizing China's institutional power in the international order by posing the question, what opportunities and challenges does this bank pose to China for the transfer of power in the international order? As a hypothesis, the article argues, the playing the role of this bank in the direction of advancing and strengthening China's institutional power can be analyzed in the light of identifying the capacities and challenges of this institution. Based on the descriptive-explanatory method, the research findings show that this bank, as one of the tools of institutional power, brings opportunities such as the internationalization of the yuan, the promotion of Asian values, and the introduction of China as a responsible great power for China. On the other hand, there are challenges such as the institutionalization of the Bretton Woods system, the challenges of playing the role of the yuan as a global currency, and the perception of a threat to China's economic rise.

Keywords: Asian Infrastructure Investment Bank, Revisionism, China, Institutional Power, International Order.

E-ISSN: 2588-6541 / Center for Strategic Research / Quarterly of Foreign Relations

Quarterly of Foreign Relations is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.




 10.22034/fr.2024.403607.1403

قدرت نهادی در نظم بین‌المللی: فرصت‌ها و چالش‌های بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا برای چین

فریبرز ارغوانی پیرسلامی

نویسنده مسئول، دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.


Email: farghavani@shirazu.ac.ir

 0000-0002-6180-7751

حسین علی‌پور

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Email: h.alipour18@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

چکیده

صعود چین در سلسله‌مراتب قدرت جهانی، بحث‌هایی را در مورد نسبت این دولت با نظم بین‌المللی به‌جامانده از برتون وودز و آینده آن در میان چین‌پژوهان و سیاست‌گذاران، برجسته ساخته است. یکی از ابعاد مهم این بحث تبیین رویکرد چین نسبت به نظم نهادی جهانی است. پژوهش حاضر ضمن ادعان به نارضایتی چین از نهادهای مالی بین‌المللی و تلاش این کشور برای بازسازی تدریجی بدیل این نظم، تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا را در راستای این تلاش چین می‌داند که می‌توان آن را در چهارچوب قدرت نهادی مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. بر این مبنا این مقاله با هدف بازشناسی ظرفیت‌های این بانک در تحقق قدرت نهادی چین در نظم بین‌المللی با طرح این پرسش که این بانک چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای قدرت نهادی در نظم بین‌المللی فرا روی چین قرار می‌دهد؟ با اتکا بر روش توصیفی-تبیینی بر این نظر است که ایفای نقش این بانک در راستای پیشبرد و تقویت قدرت نهادی چین در پرتو شناسایی ظرفیت‌ها و چالش‌های این نهاد قابل تحلیل است؛ چنانکه این بانک به‌مثابه یکی از ابزارهای قدرت نهادی، فرصت‌هایی همچون بین‌المللی‌سازی یوآن، ترویج ارزش‌های آسیایی و معرفی چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ مسئولیت‌پذیر را برای چین به همراه دارد. در مقابل چالش‌هایی همچون نهادینگی سیستم برتون وودز، چالش‌های نقش‌آفرینی یوآن به‌مثابه یک ارز جهانی و تصور تهدید نسبت به ظهور اقتصادی چین نیز وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، تجدیدنظرطلبی، چین، قدرت نهادی، نظم بین‌المللی.

مقدمه و بیان مسئله

ساختار کنونی در «حکمرانی جهانی»^۱ پس از جنگ جهانی دوم با پیشگامی ایالات متحده آمریکا تشکیل شده است. این دولت در مقام قدرت برتر پس از جنگ با اتکا به ارزش‌های لیبرال‌محور، مسئولیت‌های قدرت هژمون را بر عهده گرفت و نظم جدیدی را پی‌ریزی کرد که به «سیستم برتون وودز»^۲ مشهور شد. واشنگتن در قالب این سیستم به ترویج جریان آزاد تجارت و سرمایه‌گذاری پرداخت و نظم اقتصادی و مالی جهان را هدایت کرد. این نظم پس از جنگ سرد با چالش‌هایی مواجه شده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، ظهور «جمهوری خلق چین»^۳ در قامت یک اقتصاد شکوفا و قدرتمند است که نگرانی‌هایی درباره آینده نظم بین‌المللی پدید آورده و موضوع نسبت چین با نظم موجود را به یکی از چالش‌برانگیزترین مناظرات روابط بین‌الملل بدل ساخته است.

رشد اقتصادی کم‌نظیر چین و نقش رو به رشد آن در «اقتصاد سیاسی بین‌الملل»^۴، پرسش‌هایی را پیرامون نقش این کشور در حکمرانی اقتصادی جهانی و نهادهای بین‌المللی در میان «چین پژوهان»^۵ مطرح کرده است. شماری از متخصصان همچون «جان ایکنبری»^۶ و «مایکل سوائین»^۷، بر ادغام تدریجی چین در نظم جهانی تأکید می‌کنند و موضوع استفاده پکن از مزایای اقتصادی نظم جهانی را به‌عنوان نشانه همگرایی تدریجی چین با نظم جهانی برجسته می‌سازند. آن‌ها ضمن اذعان به برخی نارضایتی‌های چین از نظم موجود، رویکرد این دولت را «تجدیدنظرطلبی تکاملی»^۸ می‌دانند که به دنبال تقویت موقعیت و نقش خود در فرایند تصمیم‌گیری حکمرانی جهانی است. بنابراین از دید این گروه، چین به دنبال تضعیف نظم نیست و صرفاً به دنبال تغییر برخی از جنبه‌های نظم بین‌المللی متناسب با منافع خویش است. در این دیدگاه، اصلاح نظم بین‌المللی نباید موجب اختلال در کارکرد و بی‌ثباتی سیستم شود زیرا با توجه به ادغام چین در اقتصاد جهانی، هرگونه بی‌ثباتی در سیستم، پیامدهای منفی برای رشد اقتصادی چین به دنبال خواهد داشت (شفیعی، ۱۴۰۱، صص. ۶-۵).

1. Global Governance
2. Bretton Woods System
3. People's Republic of China (PRC)
4. International Political Economy (IPE)
5. Sinologists
6. G. John Ikenberry
7. Michel Swaine
8. Evolutionary Revisionist

گروهی دیگر از تحلیل‌گران همچون «مایکل پیلزبری»^۱، «چارلز کوپچان»^۲ و «مارتین جاکس»^۳ معتقدند؛ چین به دنبال این است که نظم بین‌المللی لیبرال و هژمونی ایالات‌متحده آمریکا را سرنگون کند. آن‌ها نارضایتی‌های چین از نظم بین‌المللی را برجسته می‌کنند. این گروه بر این مسئله تأکید می‌کنند که موقعیت چین در نظم موجود متناسب با جایگاه این کشور در اقتصاد جهانی نیست و رویکرد چین را «تجدیدنظرطلب انقلابی»^۴ معرفی می‌کنند. از دیدگاه این گروه، حکمرانی جهانی تحت سلطه ایالات‌متحده قرار دارد و به قدرت‌های نوظهور اجازه نمی‌دهد آن‌چنان‌که باید در ساختارهای موجود، نقش ایفا کنند. بنابراین در این رویکرد بیجینگ به دنبال تضعیف ارکان نظم جهانی و جایگزینی آن با ارزش‌های جدید و متناسب با منافع خویش است (Jacques, 2009, p. 18).

یکی از جلوه‌های نقش‌آفرینی چین در حکمرانی جهانی، مشارکت در نهادهای بین‌المللی و ارائه ابتکارهایی برای نهادسازی است. درحالی‌که پکن در دوره رهبری مائو، نهادهای بین‌المللی را در خدمت منافع امپریالیسم می‌دانست اما این کشور از دهه ۱۹۸۰ به مشارکت فعالانه در این سازوکارها روی آورده است. «سازمان همکاری شانگهای»^۵ و «گروه بریکس»^۶ از جمله نهادهایی هستند که با ابتکار و پیشگامی چین پایه‌گذاری شده‌اند. «بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا»^۷ نیز جدیدترین ابتکار نهادی چین است که در سال ۲۰۱۵ تأسیس شد. راه‌اندازی این بانک با استقبال دولت‌های در حال توسعه مواجه شد و آن را به یکی از بزرگ‌ترین نهادهای مالی بدل ساخت. تأسیس این بانک نگرانی‌هایی را نیز در میان غربی‌ها پدید آورده و این گمان را تقویت کرده که چین با تأسیس نهادهای موازی به دنبال تضعیف نظم اقتصادی جهان است. در همین راستا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که چین از رهگذر بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا با چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای انتقال قدرت در نظم بین‌المللی مواجه است؟ این فرضیه آزموده می‌شود که این بانک به‌مثابه یکی از ابزارهای قدرت نهادی، فرصت‌هایی همچون بین‌المللی‌سازی یوان، ترویج ارزش‌های آسیایی و معرفی چین به‌عنوان یک قدرت

1. Michael Pillsbury
2. Charles Kupchan
3. Martin Jacques
4. Revolutionary Revisionist
5. Shanghai Cooperation Organisation (SCO)
6. BRICS Group
7. Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)

بزرگ مسئولیت‌پذیر را برای چین به همراه دارد. در مقابل چالش‌هایی همچون نهادینگی سیستم برتون وودز، چالش‌های نقش‌آفرینی یوآن به‌مثابه یک ارز جهانی و تصور تهدید نسبت به ظهور اقتصادی چین نیز وجود دارد.

در این راستا پژوهش حاضر در چهاربخش سازماندهی می‌شود. بخش اول به چهارچوب نظری در قالب نظریه قدرت ساختاری و قدرت نهادی اختصاص می‌یابد. بخش دوم، نگاهی به نقش نهادسازی در تاریخ روابط بین‌الملل خواهد داشت و واپسین بخش مقاله ضمن بررسی ساختار و اهداف بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، فرصت‌ها و چالش‌های این بانک برای قدرت نهادی چین را تحلیل می‌کند.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های قابل توجهی در مورد بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا انجام شده است. برخی از پژوهش‌ها همچون «الا»^۱ (۲۰۲۰) ساختار حکمرانی بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا را با نهادهای مشابه از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مقایسه کرده‌اند و معتقدند سلیقه چینی بر مدیریت و ساختار بانک حاکم است و آن را فرصتی برای انتشار ایده‌های چینی در سطح جهان و به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته می‌دانند.

شماری دیگر همچون «شی و هان»^۲ (۲۰۱۹) تأسیس بانک را در سایه رقابت چین و ایالات‌متحده تحلیل کرده‌اند. آن‌ها استدلال می‌کنند چین با تأسیس بانک توسعه زیرساخت آسیا، عزم و اراده خود را برای به چالش کشیدن رهبری آمریکا در امور مالی جهان نشان داد. از این دیدگاه، چین درصدد کسب اعتبار برای رهبری در نظم جهانی و ترویج ارزش‌های چینی است. برخی از آثار مانند «یو»^۳ (۲۰۱۶) و «هوبارد و کالگان»^۴ (۲۰۱۶) نیز به نقش بانک در پیشبرد ابتکار کمربند و جاده پرداخته‌اند. این دسته از پژوهش‌ها، بانک را فاقد ظرفیت قابل توجه برای چالشگری در نظم مالی جهان می‌دانند و معتقدند این بانک صرفاً برای تأمین مالی ابتکار کمربند و جاده است. گروه دیگری مانند «زنگ»^۵ (۲۰۱۹)، «لی»^۶ (۲۰۲۱) و

1. Ella

2. Xie & Han

3. Yu

4. Hubbard & Callaghan

5. Zeng

6. Ly

«پارادایس»^۱ (۲۰۱۹) تأسیس بانک توسط چین را در راستای اصلاح حکمرانی جهانی تبیین کرده‌اند. آن‌ها بر این باورند که چین درصدد اصلاح نظم جهانی متناسب با منافع و جایگاه خود در اقتصاد جهانی است.

عده‌ای نیز همچون «استفان و اسکایدمر»^۲ (۲۰۱۹) به این موضوع پرداخته‌اند که پکن چگونه می‌تواند یک نظم متفاوت از ارزش‌های غربی را پی‌ریزی کند. برخی مانند «حمیری و جونز» (۲۰۱۸) نیز تأسیس بانک را از زاویه تجدیدنظرطلبی یا حفظ وضع موجود تحلیل کرده‌اند. این دسته از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که چین در حال تغییر دادن هنجارهای توسعه و ترویج مدل توسعه با ویژگی‌های چینی است. در مورد پژوهش‌های موجود به زبان پارسی می‌توان به مقاله تقی‌زاده انصاری (۱۳۹۵) اشاره کرد که تأسیس بانک را به‌عنوان چندجانبه‌گرایی مالی و تلاش چین برای به چالش کشیدن نظم مالی بین‌المللی ارزیابی کرده است. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه پکن به دنبال مرکزیت‌زدایی غرب از نظم مالی جهان و تقویت آسیا در آن است. افزون بر این، نگرانی‌های آمریکا از نهادسازی چین نیز در این مقاله برجسته شده است. میرترابی و دیگران (۱۳۹۹) نیز به این موضوع پرداخته‌اند که چین به دنبال تغییر بنیادین نظم بین‌المللی نیست و به دنبال اصلاح سازوکارهای موجود و افزایش سهم خود در نظم مالی جهان است. این مقاله، بانک را بستری برای تزریق ایده‌های چینی به نظم مالی جهان می‌داند که بدون تحمیل سیاست‌های ریاضت اقتصادی، دموکراتیزاسیون و معیارهای حقوق بشری، توانسته نظر کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته را جلب کند. عباسی خوشکار (۱۴۰۱) به تبیین سیاست خارجی نوین چین و چرخش از مشارکت در نهادهای موجود به سوی موازنه‌سازی نهادی به‌منظور دموکراتیزه ساختن نظم جهانی پرداخته است. نویسنده معتقد است تغییر در هویت سیاست خارجی و ادراک نخبگان چین، اصلی‌ترین دلیل نقش‌آفرینی فزاینده چین در امور جهان است و پکن همزمان با مشارکت در نهادهای بین‌المللی موجود، به موازنه‌سازی نهادی نیز روی آورده است که نشان می‌دهد این کشور فقط یک حامی در نظم جهانی نیست و ناراضی‌هایی دارد که غرب به آن‌ها بی‌توجه است.

آن‌چنان‌که اشاره شد پژوهش‌ها در مورد بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، عمدتاً بر ناراضی‌های چین از نظم بین‌المللی موجود و تلاش‌های این کشور برای

1. Paradise

2. Stephen & Skidmore

اصلاح حکمرانی جهانی، متمرکز است. نوآوری مقاله حاضر در مقایسه با آثار مشابه، معطوف بر نقش قدرت ساختاری و نهادسازی چین در است. نویسندگان تلاش کرده‌اند ویژگی‌های قدرت نهادی همچون ترویج ارزش‌های جدید، ارائه ارز بین‌المللی و مسئولیت‌پذیری را در چهارچوب بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا برشمارند و فرصت‌ها و چالش‌های قدرت نهادی چین را تحلیل کنند.

۲. چهارچوب نظری

یکی از تعاریف قدرت که قابلیت‌های چشمگیری برای توضیح تعاملات کنشگران در روابط بین‌الملل دارد، قدرت ساختاری است که به نام سوزان استرنج (از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان در اقتصاد سیاسی بین‌الملل) شناخته می‌شود. وی قدرت ساختاری را به معنای تعیین قواعد بازی و توانایی شکل‌دهی به انتخاب‌های دیگران می‌داند. این قدرت، ساختارهایی را تعریف می‌کند که روابط کنشگران بین‌المللی در درون آن‌ها صورت می‌گیرد.

قدرت ساختاری نشان می‌دهد چگونه دولت‌ها تلاش می‌کنند به دستورکارهای بین‌المللی شکل دهند و گزینه‌های دیگران را محدود کنند و به سمت خاصی هدایت کنند. استرنج قدرت ساختاری را به چهار شاخه مرتبط با یکدیگر تقسیم می‌کند:

۱. ساختار دانش: این قدرت، معطوف به توانایی دستیابی به دانش و تکنولوژی و توسعه آن و جلوگیری از دسترسی دیگران به آن است.
۲. ساختار امنیتی: به معنای یک چشم‌انداز امنیتی است که به مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی گوناگون می‌پردازد.
۳. ساختار تولید: ناظر بر دسترسی به نیروی کار، سرمایه و فناوری و تأثیرگذاری بر فرایندهای تولید و مصرف است.
۴. ساختار مالی: معطوف به دسترسی به اعتبارات مالی و ایفای نقش در نظام پولی و مالی جهان (کوهن، ۱۳۹۹، ص. ۸۵)؛ (Strange, 1988: Part II).

ساختار مالی که پژوهش حاضر بر آن متمرکز است، امروزه در نهادهای بین‌المللی پولی و بانکی و مراکز جهانی مبادلات مالی، متجلی شده است که توسط ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم، تأسیس شده و به سیستم برتون وودز مشهور است. ایالات متحده آمریکا از طریق نهادهایی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، توانست یک نظم اقتصادی لیبرال را در جهان تعریف کند.

واشنگتن در این چهارچوب، با تعریف ارزش‌ها و هنجارها، قواعد بازی را در اقتصاد جهانی تعریف کرد و انتخاب‌های کنشگران اعم از دولتی و غیردولتی را در جهت مطلوب خود، هدایت کرد. بنابراین قدرت نهادسازی یکی از ارکان مهم برای تحکیم قدرت دولت هژمون در روابط بین‌الملل است.

این نوع از قدرت به تأسیس نهادهای بین‌المللی نوین و مشارکت فعال در حکمرانی جهانی اشاره دارد. در چهارچوب قدرت نهادی، دولت‌ها می‌توانند با تأسیس نهادهای جدید، نارضایتی خود از نظم جهانی و تلاش برای بازسازی یا تضعیف ارکان نظم موجود را نشان دهند.

افزون بر این، دولت‌ها با استفاده از ترتیبات نهادی جدید، ارزش‌های مطلوب خود را ترویج می‌کنند و نشان می‌دهند صرفاً رعایت‌کننده قواعد، نیستند بلکه «قاعده‌ساز»^۱ نیز هستند.

از سوی دیگر، نهادهای بین‌المللی به‌مثابه یک «کالای عمومی»^۲ محسوب می‌شوند که جامعه بین‌المللی از دستاوردهای آن بهره‌مند می‌شود. بنابراین قدرت نهادی یک عنصر مهم برای دولت هژمون به شمار می‌آید که با اتکا به آن می‌تواند خود را به‌عنوان یک قدرت مسئولیت‌پذیر نشان دهد (Bussmann & Oneal, 2007, p. 92).

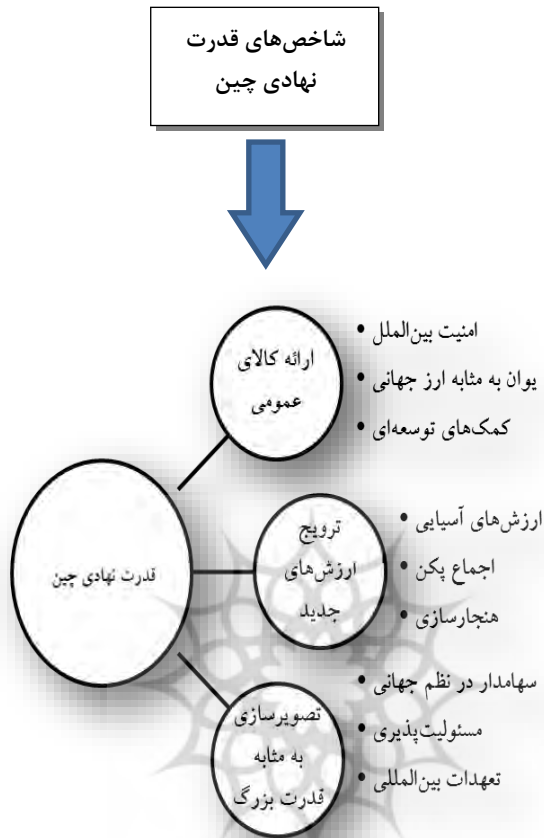
با توجه به مطالب یادشده، می‌توان شاخص‌های قدرت نهادی را استخراج کرد. تأسیس نهادهای بین‌المللی به قدرت‌های ناراضی از نظم موجود کمک می‌کند به ترویج ارزش‌های جدید، ارائه کالای عمومی و تصویرسازی از خود به‌عنوان یک قدرت مسئولیت‌پذیر بپردازند.

در پژوهش حاضر، مفهوم قدرت نهادی در تبیین اهداف چین از تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا مؤثر است و نشان می‌دهد چین در مسیر نهادسازی با چه فرصت‌ها و چالش‌هایی مواجه است.

بخش بعدی مقاله، قدرت نهادی و نقش آن در تاریخ روابط بین‌الملل را تحلیل می‌کند.

1. Rule-Maker
2. Public Goods

شکل شماره ۱:



۳. قدرت نهادی و انتقال قدرت در بستر تاریخی

تاریخ روابط بین‌الملل در دوران مدرن، دو نمونه از نقش قدرت نهادی و رژیم‌سازی را تجربه کرده که یکی ناظر بر هژمونی بریتانیا در سده نوزدهم و دیگری مربوط به نهادسازی ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم است. سده نوزدهم شاهد ظهور بریتانیا به عنوان یک قدرت دریایی و صنعتی بود که برتری اقتصادی آن را در جهان رقم زد و از آن‌پس، تجارت بین‌الملل تحت تأثیر نقش هژمونیک بریتانیا، دوره شکوفایی و رونق را تجربه کرد. بریتانیا از میانه قرن نوزدهم تلاش کرد تجارت آزاد را گسترش دهد و یک نظام پولی باثبات را پی‌ریزی کند. با ابتکار این کشور، قراردادهای دوجانبه برای تجارت آزاد و کاهش تعرفه و موانع تجاری میان کشورها امضا شد. افزون بر این، بریتانیا برای مشکلات مربوط به مبادله پول‌های رایج، نظام

استاندارد طلا را پایه‌گذاری کرد. براساس این نظام، پول هر کشور از یک نرخ مبادله رسمی برخوردار بود که بر مبنای نسبت آن با طلا سنجیده می‌شد و مشکل موازنه پرداخت‌ها را حل‌وفصل می‌کرد. بریتانیا نیز با تزریق وام، سرمایه و گشودن بازارهای خود به روی جهان، به‌مثابه ضامن اصلی این سیستم عمل می‌کرد و این کشور به‌عنوان لنگرگاه و مرکز امور مالی جهان، توانست موقعیت هژمونیک خود را تثبیت و تحکیم کند (Lacher & Germann, 2012, pp. 106-108).

پس از جنگ جهانی دوم، بریتانیا که به‌شدت در جنگ آسیب‌دیده بود، افول کرد و ایالات‌متحده در قامت برترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان، به پی‌ریزی نظم جدید پرداخت. البته واشنگتن تا قبل از جنگ، به مشارکت فعال در امور جهان تمایل نداشت اما با توجه به اینکه تصور می‌شد، رکود بزرگ و منازعات پس‌از آن به دلیل بی‌مسئولیتی دولت‌ها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ رخ داده است، تمایل ایالات‌متحده به مداخله هژمونی‌جویانه در نظم بین‌الملل، آشکار شد. واشنگتن و متحدین آن، با گسترش شبکه‌ای از توافقات‌های چندجانبه و مؤسسات بین‌المللی، نظامی از حکمرانی اقتصادی جهانی را تأسیس کردند که به سیستم برتون وودز مشهور شد. ایالات‌متحده این فرایند را رهبری کرد و اساس نظم بین‌الملل را از حیث نهادی و هنجاری تعیین کرد. در قالب سیستم برتون وودز، «صندوق بین‌المللی پول»^۱ با هدف اعطای وام به کشورهای دچار کسری تراز پرداخت‌ها و «بانک جهانی»^۲ به‌منظور تأمین وام برای بازسازی‌های پس از جنگ، پایه‌گذاری شدند. در بخش تجارت نیز «موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت»^۳ به‌منظور حذف اقدامات تبعیض‌آمیز و رونق تجارت آزاد به امضا رسید که مجموع این اقدامات رشدی جهش‌وار را در اقتصاد جهانی رقم زد (Barcellos, 2018, pp. 396-400).

بنابراین ایالات‌متحده با نهادسازی و تعیین هنجارها و استانداردهای حکمرانی جهانی، نظم لیبرال غرب‌محور را پی‌ریزی کرد که به‌تدریج فراگیر و جهانی شد به‌گونه‌ای که تعاملات اغلب کنشگران از جمله دولت‌ها و کنشگران غیردولتی در درون این نظم و در چهارچوب قواعد، نهادها و هنجارهای آن صورت می‌گیرد. در مجموع ایالات‌متحده در چهارچوب نظم جدید به تولید کالاهای عمومی مانند نظام

1. International Monetary Fund (IMF)

2. World Bank

3. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

اقتصادی باثبات، ارائه ارز معتبر و امنیت پرداخت و موقعیت هژمونیک خود را تحکیم بخشید (Ikenberry, 2005, pp. 137-141).

نظم جهانی پس از جنگ سرد با چالش‌هایی مواجه شده است. یکی از این چالش‌ها، سیاست قدرت‌های نوظهور همچون جمهوری خلق چین نسبت به نظم نهادی موجود و ترتیبات آن است. امروزه تحلیل رویکرد چین در قبال نظم نهادی، یکی از مهم‌ترین مناظرات روابط بین‌الملل به شمار می‌آید. اینکه سیاست چین نسبت به ترتیبات سیستم برتون وودز چگونه است و چرا این کشور به نهادسازی روی آورده و فرصت‌ها و چالش‌های قدرت نهادی چین چگونه انتقال قدرت در نظم بین‌المللی را رقم می‌زند، موضوع گفتار بعدی است.

۴. بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا به‌مثابه قدرت نهادی

ایده تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا توسط رئیس‌جمهور چین «شی جین‌پینگ»^۱ و در خلال سفر وی به اندونزی (۲۰۱۳) مطرح و با استقبال کشورهای آسیایی مواجه شد. یادداشت تفاهم تأسیس این بانک توسط چین و بیست کشور آسیایی در سال ۲۰۱۴ امضا شد. بانک با سرمایه اولیه ۱۰۰ میلیارد دلار کار خود را آغاز کرد و اعضای آن به‌سرعت افزایش یافت به‌گونه‌ای که تا سال ۲۰۱۵، ۵۳ کشور به عضویت در آن پذیرفته شدند (Hubbard & Callaghan, 2016, p. 119).

اعضای بانک عمدتاً شامل کشورهای در حال توسعه است که خواهان نقش بیشتری در سیستم بین‌الملل هستند و اصلاح حکمرانی در اقتصاد جهانی را دنبال می‌کنند. افزون بر این، پنج عضو «گروه هفت»^۲ و شانزده عضو «گروه بیست»^۳ نیز به بانک پیوسته‌اند (Wang, 2019, p. 224).

ایالات متحده از حیث شفافیت، حکمرانی و رویه و ام‌دهی، انتقادهایی به بانک وارد ساخت و تلاش کرد هم‌پیمان‌های خود را از عضویت در بانک بازدارد اما متحدین این کشور از جمله بریتانیا، کره جنوبی، آلمان و استرالیا با این توجیه که هدف آن‌ها تضمین استانداردهای حکمرانی خوب در بانک است، به آن ملحق شدند (D.Stephen & Skidmore, 2019, p. 79).

1. Xi Jinping

2. G7

3. G20

براساس اطلاعات موجود در تارنمای بانک، اعضای آن شامل ۴۶ «عضو منطقه‌ای»^۱، ۴۳ «عضو غیرمنطقه‌ای»^۲ و ۱۶ «عضو محتمل»^۳ است (AIIB, 2022). جدول شماره (۱)، مهم‌ترین اعضای بانک و حق رأی آن‌ها را نشان می‌دهد. در میان کل اعضا، چین با ۲۶/۵۶ درصد رأی، از بیشترین حق رأی برخوردار است و هند و روسیه در رتبه‌های بعدی قرار دارند (AIIB, 2022).

جدول شماره ۱: مهم‌ترین اعضای بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا

اعضای آسیایی	میزان حق رأی	اعضای خارج از آسیا	میزان حق رأی
چین	۲۶/۵۶٪	آلمان	۴/۱۶٪
هند	۷/۶۰٪	فرانسه	۳/۱۸٪
روسیه	۵/۹۸٪	بریتانیا	۲/۸۹٪
کره جنوبی	۳/۵۰٪	ایتالیا	۲/۴۶٪
عربستان سعودی	۲/۴۴٪	اسپانیا	۱/۷۵٪

Source: AIIB, 2021

اهداف بانک شامل توسعه اقتصادی پایدار، بهبود وضعیت رفاه اعضا، ارتقای زیرساخت‌ها، ترویج مشارکت و همگرایی منطقه‌ای است. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل‌ونقل (بنادر، فرودگاه‌ها و خطوط راه‌آهن)، انرژی و تولید صنعتی، مهم‌ترین فعالیت بانک به شمار می‌رود. برخلاف بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، وام‌های بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا مشروط به اصلاحات اقتصادی و سیاسی نیست و بانک در امور داخلی کشورها مداخله نمی‌کند و سیاست‌های ریاضت اقتصادی تجویز نمی‌کند. بانک هنگام اعطای وام، اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی پروژه‌ها را بررسی و ظرفیت مالی وام‌گیرنده را نیز برای بازپرداخت وام، ارزیابی می‌کند (Ella, 2020, p. 17-19).

ساختار بانک شامل :

(۱) «هیئت‌مدیره»^۴: عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در بانک است که از دوازده عضو (شامل نه عضو منطقه‌ای و سه عضو غیرمنطقه‌ای) تشکیل شده است. هیئت‌مدیره امور عمومی بانک را مدیریت می‌کند و از اختیاراتی همچون تأیید

1. Regional Member
2. Non-Regional Member
3. Prospective Member
4. Board of Directors

استراتژی بانک، تعیین برنامه سالانه و بودجه، نظارت بر مدیریت و تصمیم‌گیری در مورد عملیات بانک برخوردار است (Liang, 2020, p. 291).

۲) «شورای حکام»: هریک از اعضای بانک دارای یک نماینده در این شورا است. انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و گزینش رئیس بانک از جمله وظایف شورای حکام به شمار می‌رود.

۳) رئیس بانک: برای یک دوره پنج‌ساله و توسط شورای حکام و از میان اعضای منطقه‌ای برگزیده می‌شود و به همراه پنج معاون خود، وظیفه رهبری بانک را انجام می‌دهد. افزون بر این، تعدادی مدیر ارشد از کشورهای عضو نیز رئیس بانک را در انجام مسئولیت‌هایش، یاری می‌کنند (Wang, 2019, p. 226).

۴-۱. انگیزه‌های تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا

چه عواملی چین را به سوی تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا تشویق کرد؟ در این مورد می‌توان به عواملی همچون ناامیدی پکن از اصلاح حکمرانی اقتصادی جهانی، نیاز فوری کشورهای آسیایی به سرمایه‌گذاری خارجی و ملاحظات ژئوپلیتیک (سیاست همسایگی و امنیت انرژی) اشاره کرد.

۴-۱-۱. ناامیدی پکن از اصلاح حکمرانی اقتصادی جهانی

معماری اقتصاد جهانی در قالب سیستم برتون وودز توسط ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته است. این کشور با تأسیس نهادهایی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به اداره امور مالی جهان براساس هنجارها و ارزش‌های موردنظر خود پرداخت. چین هیچ نقشی در طراحی این سیستم نداشته و از دهه ۱۹۸۰ و مقارن با اصلاحات اقتصادی به مشارکت در این نهادها روی آورده است (Ly, 2021, p. 224). بیجینگ سیستم کنونی و ترتیبات آن را ناعادلانه و تحت تسلط ایالات متحده می‌داند که اجازه نقش‌آفرینی به چین در امور مالی جهان نمی‌دهد. چینی‌ها بر این باورند که نقش آن‌ها در نهادهای مالی بین‌المللی متناسب با جایگاه آن‌ها در اقتصاد جهانی نیست (Saad Zaidi & Saud, 2021, pp. 153-156).

در مورد وزن و جایگاه چین در اقتصاد جهانی باید گفت این کشور توانسته با اتکا به اصلاحات، از قاعده هرم اقتصاد جهانی به رأس آن صعود کند. آن‌چنان‌که

جدول شماره (۲) نشان می‌دهد تولید ناخالص داخلی واقعی چین با ثبت رشد ۲/۹۹ درصد در سال ۲۰۲۲ به رقم ۱۸/۱۰۰ تریلیون دلار رسیده است و از این حیث، چین پس از ایالات متحده در رتبه دوم جهان قرار دارد. در شاخص صادرات کالا، چین آمریکا را پشت سر گذاشته و با صادراتی به ارزش ۳/۵۹۳ تریلیون دلار به بزرگ‌ترین صادرکننده کالا بدل شده است. در شاخص سرمایه‌گذاری خارجی، چین در سال ۲۰۲۲ رقم ۱۴۵/۱۹ میلیارد دلار در جهان سرمایه‌گذاری کرده و پس از ایالات متحده و ژاپن در رتبه سوم جهانی قرار دارد. افزون بر این، جذب سرمایه‌گذاری خارجی به سرزمین اصلی چین نیز در سال ۲۰۲۲، رقم ۱۸۹ میلیارد دلار بوده و از این حیث نیز دومین دریافت‌کننده بزرگ سرمایه‌گذاری خارجی به شمار می‌آید (Statista, IMF, Trade Map, 2022).

جدول شماره ۲: مقایسه اقتصادهای برتر جهان براساس شاخص‌های منتخب (۲۰۲۲)

کشور	تولید ناخالص داخلی	ارزش صادرات به کل جهان	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان	جذب سرمایه‌گذاری خارجی
ایالات متحده	۲۵/۴۶ تریلیون دلار	۲/۰۶۲ تریلیون دلار	۶/۴۹ تریلیون دلار	۳۶۷ میلیارد دلار
چین	۱۸ تریلیون دلار	۳/۵۹۳ تریلیون دلار	۱۴۵/۹ میلیارد دلار	۱۸۱ میلیارد دلار
ژاپن	۴/۲۳ تریلیون دلار	۷۴۷/۲۶ میلیارد دلار	۱۶۱ میلیارد دلار	۳۲ میلیارد دلار
آلمان	۳/۸۶ تریلیون دلار	۱/۶۵ تریلیون دلار	۷۳ میلیارد دلار	۳۱ میلیارد دلار
هند	۳/۳۸ تریلیون دلار	۳۹۴/۸۱ میلیارد دلار	۵۱ میلیارد دلار	۸۱ میلیارد دلار

Source: IMF, Trade Map, Statista, 2022

چین استدلال می‌کند که با توجه جایگاه آن در اقتصاد جهانی باید نقش قابل توجهی در نهادهای مالی بین‌المللی ایفا کند و حق رأی بیشتری در این نهادها داشته باشد. آن چنان‌که جدول شماره (۳) نشان می‌دهد حق رأی چین در «بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم»^۱، ۵/۰۱ درصد و حق رأی ایالات متحده ۱۵/۷۲ درصد است.

1. International Bank for Reconstruction and Development (IBRD)

در حالی که وزن اقتصادی چین در جهان نسبت به ژاپن، به مراتب بیشتر است، اما حق رأی توکیو در این بانک، ۷/۳۹ درصد است. مشابه این وضعیت در صندوق بین‌المللی پول نیز مشاهده می‌شود. حق رأی چین در این نهاد ۶/۰۳ است در حالی که حق رأی ایالات متحده ۱۶/۵۰ و حق رأی ژاپن ۶/۱۴ است (World Bank & IMF, 2021).

جدول شماره ۳: حق رأی کشورهای منتخب در مؤسسات مالی بین‌المللی (۲۰۲۲)

چین	فرانسه	آلمان	بریتانیا	ژاپن	آمریکا	نهاد
۶/۰۳	۴/۰۳	۵/۳۱	۴/۰۳	۶/۱۴	۱۶/۵۰	صندوق بین‌المللی پول
۵/۰۱	۳/۸۹	۴/۲۲	۳/۸۹	۷/۳۹	۱۵/۷۲	بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم

Source: World Bank & IMF, 2022

نگاه غالب در میان نخبگان سیاسی و دانشگاهی چین این است که پکن باید ضمن مشارکت در سیستم بین‌الملل، اصلاح آن را نیز دنبال کند. آن‌ها معتقدند باید صدای کشورهای در حال توسعه شنیده شود و آن‌ها باید از سهم بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها برخوردار باشند (Wahed, 2017, pp. 3-6).

شی جین‌پینگ در مورد اصلاح حکمرانی جهانی می‌گوید: «سیستم حکمرانی جهانی نه توسط یک دولت خاص بلکه باید توسط کل جهان ساخته شود. سیستم باید همگان را به مشارکت و همگرایی دعوت کند. ترتیبات انحصاری باید کنار رود و با همکاری برد-برد جایگزین شود. صدای کشورهای در حال توسعه باید شنیده شود و آن‌ها باید نقش بیشتری در حکمرانی جهانی، ایفا کنند» (F.Paradise, 2019, p. 478).

پکن یک استراتژی دو وجهی برای اصلاح این نظم اتخاذ کرده است. از یک سو با همکاری کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور، به دنبال اصلاح ساختار نهادهای بین‌المللی و افزایش نقش این کشورها در تصمیم‌گیری‌ها است و از سوی دیگر به رهبری خود، نهادهایی جدید همچون بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا را تأسیس می‌کند (Wu, 2018, p. 545-47).

چین با تأسیس این بانک مسئولیت‌های بیشتری می‌پذیرد و تلاش می‌کند حکمرانی جهانی را براساس منافع و ارزش‌های مطلوب خود، بازسازی کند. به این ترتیب، بیجینگ با تأسیس نهادهای موازی، علاوه بر مشارکت فعالانه در نظم بین‌المللی، خود را به عنوان یک قدرت بزرگ مسئولیت‌پذیر نیز به جهان معرفی می‌کند (Zeng, 2019, p. 584-85).

۴-۱-۲. نیاز فوری کشورهای آسیایی به سرمایه‌گذاری خارجی

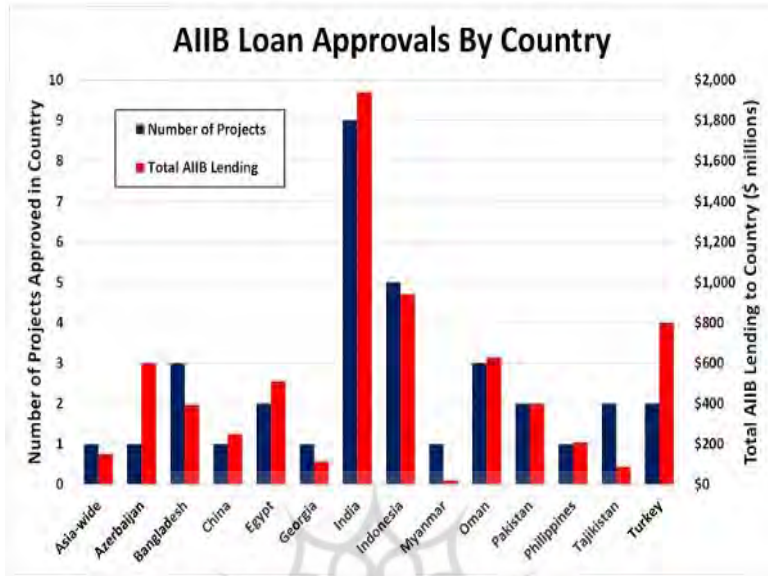
زیرساخت‌های مدرن، نقشی مهم و حیاتی در توسعه اقتصادی و همگرایی میان دولت‌ها ایفا می‌کنند. زیرساخت‌هایی همچون خطوط راه‌آهن، بنادر و فرودگاه‌ها به تسهیل جریان کالا و خدمات کمک می‌کنند و رشد اقتصادی را افزایش می‌دهند. امروزه کشورهای آسیایی از کمبود زیرساخت‌های مدرن رنج می‌برند. فقدان زیربنای مناسب، رشد اقتصادی و استانداردهای زندگی را کاهش داده و مانع همگرایی میان کشورهای آسیایی شده است. براساس گزارش «بانک توسعه آسیا»^۱، این کشورها به سالانه یک تریلیون دلار سرمایه برای توسعه زیرساخت‌های خود نیاز دارند.

این در حالی است که بانک جهانی و بانک توسعه آسیا ظرفیت کافی برای حل این مشکل را ندارند و در بهترین حالت سالانه تنها ۲۰ میلیارد دلار سرمایه به این کشورها تزریق کرده‌اند (Yu, 2016, p. 359).

بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا برای جبران این کاستی‌ها، وام‌هایی برای اجرای پروژه‌های مختلف در کشورهای عضو در نظر گرفته و اعتبارات قابل توجهی به کشورهای آسیایی اختصاص داده است. نمودار شماره (۱)، تعداد پروژه‌ها و ارزش اعتبارات تخصیص‌یافته توسط بانک را در برخی کشورهای عضو نشان می‌دهد. هند از بیشترین پروژه‌ها و وام‌های دریافتی برخوردار است و اندونزی و بنگلادش در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

1. Asian Development Bank (ADB)

نمودار ۱: پروژه‌ها و وام‌های اختصاص‌یافته به برخی اعضای بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا تا ۲۰۲۰



جدول شماره (۴) نیز برخی از پروژه‌های بانک را در کشورهای آسیایی نشان می‌دهد. براساس این جدول، بیشترین پروژه‌ها و اعتبارات به بخش حمل‌ونقل و انرژی اختصاص یافته است.

جدول شماره ۴: برخی از پروژه‌های بانک در کشورهای آسیایی

کشور	پروژه	میزان سرمایه‌گذاری بانک
ازبکستان	توسعه زیرساخت روستایی	۸۲ میلیون دلار
اندونزی	نوسازی آبیاری	۲۵۰ میلیون دلار
بنگلادش	فاضلاب شهری	۱۰۰ میلیون دلار
پاکستان	فاضلاب کراچی	۴۰ میلیون دلار
ترکیه	توسعه مترو در ازمیر	۵۶ میلیون دلار
ویتنام	نیروگاه برق آبی	۶۰ میلیون دلار
هند	حمل‌ونقل بمبئی	۵۰۰ میلیون دلار

Source: AIIB, 2021

۴-۱-۳. ملاحظات ژئوپلیتیک

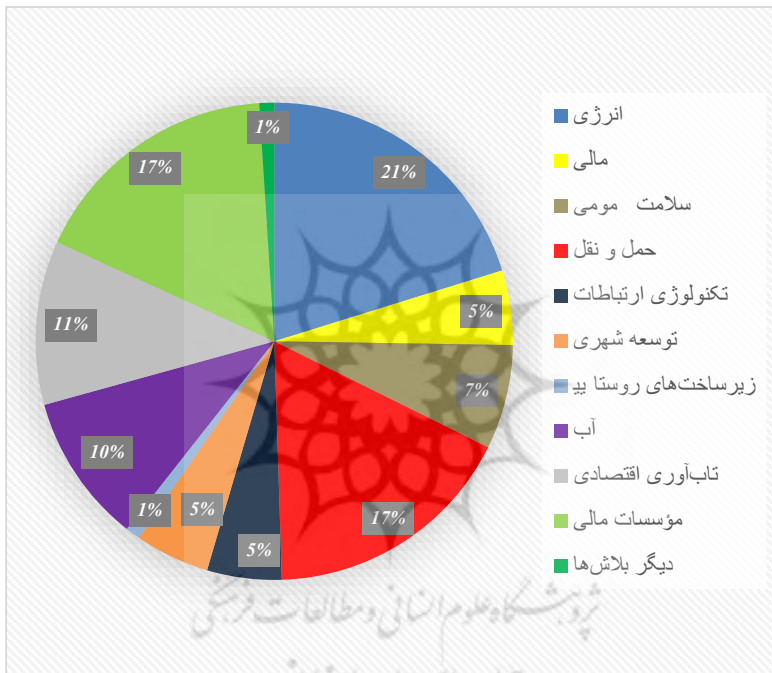
اهداف ژئوپلیتیک همچون ترویج «سیاست همسایگی»^۱ و «امنیت انرژی»^۲ را می‌توان از دیگر انگیزه‌های تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا برشمرد. در مورد سیاست همسایگی باید گفت چین بیش از ۲۲ هزار کیلومتر مرز زمینی و دریایی با همسایگان خود دارد و اختلافات ارضی و مرزی از منابع مهم تنش‌های سیاسی در روابط بیجینگ و همسایگانش محسوب می‌شود (Xinbo, 2016, p. 860). چین به دنبال یک محیط پیرامونی باثبات برای تداوم رشد اقتصادی خویش است و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا اراده چین را برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات و شکل‌دادن به آسیای هماهنگ نشان می‌دهد. افزون بر این، جهت‌گیری سیاست خارجی چین برای همگرایی منطقه‌ای، تعهد به ظهور مسالمت‌آمیز و ایفای نقش سازنده و مثبت برای پیشبرد صلح و توسعه نیز در چهارچوب بانک به همسایگان این کشور اثبات می‌شود.

امنیت انرژی نیز در زمره اولویت‌های مهم سیاست خارجی بیجینگ محسوب می‌شود. اصلاحات اقتصادی، صنعتی‌شدن فزاینده و الحاق به سازمان جهانی تجارت از جمله متغیرهای مؤثر بر افزایش واردات انرژی چین به شمار می‌روند. این کشور از سال ۲۰۱۳ به بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام تبدیل شده است. ارزش واردات نفت چین در سال ۲۰۲۱، رقم ۲۲۹/۳ میلیارد دلار (معادل ۲۲/۳ درصد کل واردات نفت جهان) بوده و روزانه ۱۰/۹۱ میلیون بشکه نفت وارد کرده است. بخش عمده واردات نفت از کشورهای آسیایی نظیر عربستان سعودی، عراق، امارات، کویت، عمان و قطر صورت گرفته است (World's Top Exports, 2021). واردات گاز طبیعی مایع نیز در سال ۲۰۲۱، روزانه ۱۳/۹ میلیارد فوت مکعب بوده که نسبت به سال قبل، ۲۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد. عمده این واردات از استرالیا، قطر، اندونزی، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، روسیه و مالزی بوده است (Hellenic Shipping News, 2021). آن‌چنان‌که آمار یادشده نشان می‌دهد عمده واردات انرژی چین از کشورهای آسیایی صورت گرفته است. چین نیز برای تأمین نیازهای انرژی خود، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در کشورهای غنی از انرژی در آسیا انجام داده که بخشی از این فعالیت‌ها ذیل ابتکار کمربند و جاده تعریف شده است.

1. Neighborhood Policy
2. Energy Security

افزون بر این، یکی از حوزه‌های مهم فعالیت بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، بخش انرژی است. چین با پشتیبانی این بانک به سرمایه‌گذاری در بخش انرژی کشورهای آسیایی روی آورده است. براساس نمودار (۱)، ۲۰ درصد از کل پروژه‌های بانک به بخش انرژی اختصاص یافته است. از طرفی، ۶۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری‌های بخش انرژی نیز به سوخت‌های فسیلی تخصیص داده شده است.

نمودار ۱: سهم بخش‌های مختلف در پروژه‌های بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا



Source: CGTN, 2020

۵. چین و قدرت نهادی بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا

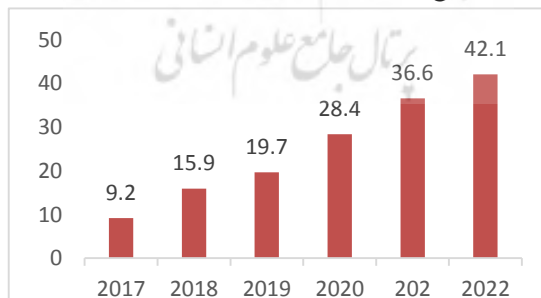
تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا نشان‌دهنده نارضایتی چین از نظم نهادی موجود و ناامیدی از اصلاح آن است. نویسندگان در این بخش شاخص‌های قدرت نهادی این بانک را تحلیل می‌کنند و فرصت‌ها و چالش‌های قدرت نهادی چین را در مسیر انتقال قدرت تبیین می‌کنند.

۵-۱. فرصت‌های بانک برای انتقال قدرت به چین

۵-۱-۱. بین‌المللی‌سازی یوآن

بین‌المللی‌شدن یک ارز، به فرایندی اطلاق می‌شود که واحد پول یک کشور بتواند نقش جهانی در نظام مالی بین‌الملل ایفا کند. یعنی دولت‌ها از آن ارز در تجارت، سرمایه‌گذاری و نقل‌وانتقالات حساب جاری و سرمایه‌ای استفاده کنند و آن ارز، بخشی از ذخایر ارزی کشورها را شامل شود. شرایطی همچون ادغام در اقتصاد جهانی، قابل اعتماد بودن، آسان بودن نقل‌وانتقال برای دولت‌ها و قدرت نقد شوندگی، از پیش‌نیازهای بین‌المللی‌شدن ارزها به شمار می‌آیند. پس از بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، ساختار اقتصاد جهانی، مجبور شد ایفای نقش پررنگ‌تر از سوی برخی دولت‌ها از جمله چین را بپذیرد. اصلاحات در صندوق بین‌المللی پول و پذیرش «یوآن»^۱ به‌عنوان یکی از پنج ارز معتبر جهان در «سبد حق برداشت ویژه»^۲، ابتکار کمر بند و جاده و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، از جمله عواملی هستند که به بین‌المللی‌شدن یوآن کمک می‌کنند (میرترابی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۷۲۲). رشد اقتصادی شتابان و قدرت مالی فزاینده چین موجب‌شده تا تحلیل‌گران اقتصاد سیاسی بین‌الملل از یوآن به‌عنوان مهم‌ترین رقیب موقعیت هژمونیک دلار در نظام پولی بین‌المللی یاد کنند. بیجینگ نیز با اقداماتی همچون موافقت‌نامه‌های مبادله با پول ملی، افزایش کمک‌های خارجی به یوآن و خرید نفت با یوآن، تلاش می‌کند واحد پول خود را بین‌المللی کند. براساس گزارش «بانک خلق چین»^۳، در سال ۲۰۲۲، بالغ بر ۴۲ تریلیون یوآن (معادل ۶ تریلیون دلار) از پرداخت‌ها و دریافت‌های فرامرزی چین، با یوآن تسویه شده که البته حدود ۴۵ درصد از آن به مبادلات مالی با هنگ‌کنگ اختصاص داشته است (The National News, 2023).

نمودار ۲: مجموع پرداخت‌ها و دریافت‌های فرامرزی چین (تریلیون یوآن)



Source: The National News, 2023

1. Yuan (Renminbi)
2. Special Drawing Rights (SDR) Basket
3. People's Bank of China (PBC)

اما بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا چگونه می‌تواند به بین‌المللی‌شدن یوآن کمک کند؟ چین می‌تواند از ظرفیت‌های بانک به‌مثابه یک مکانیسم برای بین‌المللی‌سازی یوآن استفاده کند. یکی از این ظرفیت‌ها، اعطای وام با واحد پول این کشور است. هرچند در اساس‌نامه بانک اشاره شده که پرداخت وام به دلار آمریکا است اما برخی قواعد برای پرداخت وام به دیگر واحدهای پولی نیز پیش‌بینی شده است. اگر بانک تشخیص دهد که به دیگر ارزها وام پرداخت کند، این امر با موافقت بیش از پنجاه عضو شورای حکام، امکان‌پذیر است (Ramos Codeço, 2018, p. 835).

این موضوع به‌ویژه با استقبال آن دسته از دولت‌ها که تحت تحریم‌های ایالات‌متحده آمریکا قرار دارند، مواجه می‌شود. استفاده از این فرصت به چین کمک می‌کند تا یوآن را در مقیاس وسیع، بین‌المللی سازد. افزون بر این، با توجه به عضویت شماری از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان انرژی (روسیه، عربستان سعودی، قطر) و مصرف‌کنندگان عمده (چین، هند و کره جنوبی) بیجینگ می‌تواند از این ظرفیت، برای تشکیل سازوکاری به‌منظور تجارت انرژی براساس یوآن، استفاده کند. نکته دیگر اینکه با توجه به پیوند میان بانک و ابتکار کمربند و جاده، چین باید تلاش کند یوآن را به‌مثابه یک ارز منطقه‌ای تعریف کند و شرایط لازم برای بین‌المللی‌کردن یوآن در کشورهای شریک در ابتکار کمربند و جاده را فراهم کند. به‌ویژه این موضوع که شماری از اعضای بانک همچون روسیه و ایران تمایل به کنارگذاشتن دلار از مبادلات تجاری نشان می‌دهند نیز می‌تواند به بین‌المللی‌شدن یوآن در سطح منطقه‌ای کمک کند (Ly, 2020, pp. 12-14).

۵-۱-۲. ترویج ارزش‌های آسیایی

ارزش‌های آسیایی و الگوی توسعه اقتصادی متفاوت این دسته از کشورها، یک مناظره جدید را در روابط بین‌الملل مطرح کرده است. رشد و توسعه اقتصادهای آسیایی با پیروی کامل از الگوی غربی سرمایه‌داری نبوده است و سنت‌های متفاوتی پشتوانه فکری آن بوده است. پیشرفت‌های قابل توجه اقتصادی این کشورها مرهون نقش پُررنگ دولت، محدودکردن آزادی‌های سیاسی و چشم‌پوشی از خوانش لیبرال از حقوق بشر است. پیشرفت‌های چشمگیر کشورهای آسیایی نشان می‌دهد می‌توان با حفظ هویت ملی و الگوهای بومی به توسعه رسید. چین نیز در این زمینه یک الگو محسوب می‌شود. این کشور توانسته با مدل توسعه خاص خود که از آن به عنوان اجماع پکن یاد می‌شود، پیشرفت‌های اقتصادی قابل توجهی را به دست آورد.

با توجه به گوناگونی و تنوع در آسیا و اقتصاد عظیم این دسته از کشورها، آن‌ها معتقدند هویت آسیایی باید در حکمرانی جهانی متجلی شود. آسیایی‌ها می‌خواهند برتری غرب در ابعاد سیاسی و اقتصادی را به چالش بکشند. ترویج ارزش‌های جدید از طریق نهادسازی یکی از راه‌ها برای به چالش کشیدن غرب است. چین از طریق این بانک می‌تواند ارزش‌های مطلوب خود را در حکمرانی جهانی ترویج کند. تأکید بانک بر توسعه اقتصادی و عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها همچون وضعیت حقوق بشر و نوع نظام سیاسی یکی از مواردی است که در مقابل ارزش‌های لیبرالی قرار می‌گیرد که غرب در حال ترویج آن از طریق نهادهای بین‌المللی موجود است. بانک با تقدم توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی، به تداوم رژیم‌های اقتدارگرا کمک می‌کند و به این ترتیب اقتدارگرایی در برابر ارزش‌های لیبرال قرار می‌گیرد (M. Ong, 2017, pp. 549-53).

۵-۱-۳. معرفی چین به عنوان یک قدرت بزرگ مسئولیت‌پذیر

همزمان با ظهور جهانی چین، انتقادات غربی‌ها از نقش این کشور در تدبیر امور جهانی افزایش یافته است. دولت‌های غربی و به‌ویژه ایالات متحده، چین را متهم می‌کنند که سهم و نقش خود را در پیشبرد صلح، توسعه و امنیت بین‌الملل ایفا نمی‌کند و صرفاً از مزایای نظم بین‌المللی موجود بهره‌مند می‌شود و برای توصیف این وضعیت از اصطلاح «سواری مجانی»^۱ استفاده می‌کنند. آن‌ها معتقدند چین باید خود را به عنوان یک «قدرت بزرگ مسئولیت‌پذیر»^۲ نشان دهد و در هزینه‌های توسعه و امنیت جهان، سهیم شود. یک قدرت بزرگ مسئولیت‌پذیر صرفاً منافع ملی خود در جامعه بین‌الملل را در نظر نمی‌گیرد بلکه به منظور پیشبرد صلح و بهبود ثبات و رفاه جهان نیز نقش ایفا می‌کند. قدرت بزرگ تعهدات بین‌المللی را مُجدانه دنبال می‌کند و در تدوین قوانین بین‌المللی مشارکت دارد. امروزه عواملی همچون استراتژی ملی توسعه چین، تلاش آن برای تکوین محیط مسالمت‌آمیز و ادغام در اقتصاد جهانی، محرک این کشور برای ارائه تصویری از خود به مثابه یک قدرت بزرگ مسئولیت‌پذیر به جامعه بین‌المللی به شمار می‌آیند (Deng, 2015, pp. 125-128).

چین به عنوان یک قدرت نوظهور باید اراده و توانمندی‌های خود را برای ایفای نقش به عنوان یک قدرت بزرگ مسئولیت‌پذیر نشان دهد. یکی از ابزارهای

1. Free Riding

2. Responsible Great Power

مورد استفاده بیجینگ برای این امر، تأسیس نهادهایی همچون بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا است. اما این نهاد چگونه در این امر، به چین کمک می‌کند؟ در این باره می‌توان به چهار نکته اشاره کرد. اولین نکته این است که این بانک به چین کمک می‌کند تا خود را به‌عنوان ارائه‌دهنده کالای عمومی در نظم بین‌المللی معرفی کند. نهادهای بین‌المللی یک کالای عمومی محسوب می‌شوند که خیر مشترک برای جامعه بین‌المللی به ارمغان می‌آورند و همه دولت‌ها می‌توانند از دستاوردهای آن بهره‌مند شوند. دومین مزیت بانک این است که چین با اتکا به این بانک، با اتهام سواری مجانی که از سوی غربی‌ها مطرح می‌شود مقابله می‌کند و نشان می‌دهد که هزینه و سهم خود را در توسعه جهانی می‌پردازد. سومین نکته این است که بیجینگ نشان می‌دهد نسبت به صلح و توسعه جهانی، دغدغه دارد و با تأسیس این بانک و تزریق سرمایه قابل توجه به آن، می‌خواهد دیگران از هم رشد اقتصادی این کشور، بهره‌مند شوند. چهارم، عضویت بیش از هفتاد دولت در این بانک از جمله دولت‌های غربی که چین را به سواری مجانی متهم می‌کنند نشان می‌دهد چین هنجارهای بین‌المللی را پذیرفته و توانسته خود را به‌عنوان یک قدرت قابل اعتماد نشان دهد که در نظم بین‌المللی موجود، به‌عنوان یک «سهامدار» شناخته می‌شود و نه یک «چالشگر» (Xie & Han, 2019, p. 920).

۵-۲. چالش‌های بانک برای انتقال قدرت به چین

۵-۲-۱. نهادینگی سیستم برتون وودز

نظم نهادی موجود و ارکان آن همچون صندوق بین‌المللی پول و گروه بانک جهانی، بیش از نیم‌قرن است که در امور اقتصادی و مالی جهان در حال فعالیت است و با پشتیبانی قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، هنجارها و ارزش‌های لیبرال را ترویج می‌کند. این نهادها در تمام جنبه‌های نظم اقتصاد جهانی و رویکردهای پولی و مالی دولت‌ها نفوذ کرده‌اند. افزون بر این، تعاملات کنشگران اعم از دولتی و غیردولتی در چهارچوب قواعد و هنجارهای این نهادها، صورت می‌گیرد که نشان‌دهنده مقبولیت نهادهای برتون وودز است (Barcellos, 2018, p. 396).

بنابراین تغییر در نظم نهادی موجود و جایگزینی آن با سازوکارهای جدید، نیازمند شرایطی است که قدرت تجدیدنظرطلب باید آن‌ها را فراهم کند. اولین شرط، ارائه ایده‌های جدید و بدیل‌سازی قدرتمند است. در این مورد چین در چهارچوب بانک می‌تواند مدل اجماع بیجینگ را در برابر اجماع واشنگتن، ترویج کند. اجماع

بیجینگ از راه‌کارهای بومی برای پیشبرد توسعه کشورها حمایت می‌کند و با یک دستورکار غربی واحد، برای توسعه مخالف است. با توجه به اینکه اکثر اعضای بانک از کشورهای در حال توسعه هستند که از مدل‌های غربی توسعه انتقاد می‌کنند، اجماع بیجینگ مورد استقبال آن‌ها قرار می‌گیرد. شرط دیگر این است که قدرت تجدیدنظرطلب باید بتواند همراهی سایر قدرت‌های بزرگ را برای تغییر جلب کند. در وضعیت فعلی، قدرت‌های بزرگ که عمدتاً غربی هستند با تغییر نظم موجود مخالفند و حتی چین را تهدیدی علیه این نظم می‌بینند. شاهد این موضوع را می‌توان در عدم عضویت آمریکا و ژاپن در بانک مشاهده کرد. حتی در گروه بریکس نیز فقط روسیه از نظر نارضایتی از نظم موجود، با چین هم‌نظر است و دیگر قدرت‌های نوظهور همچون هند نیز کاملاً با چین موافق نیستند. بنابراین چین در مسیر همراه کردن قدرت‌های بزرگ با خود، با مشکل فقدان اجماع برای تغییر نظم مواجه است و بدیل‌سازی برای نظم موجود، نیازمند زمان طولانی و همراهی قدرت‌های بزرگ است. نکته قابل توجه دیگر این است که عضویت و مشارکت شماری از قدرت‌های غربی همچون بریتانیا، فرانسه و آلمان در بانک، واجد معنای خاصی است. آن‌ها حامیان نظم بین‌المللی لیبرال موجود هستند و با مشارکت در این نهاد می‌خواهند نشان دهند که این بانک نیز در درون سیستم برتون وودز فعالیت می‌کند و یک چالشگر در نظم بین‌المللی نیست. این قدرت‌ها که عضو گروه هفت هم هستند، علی‌رغم مخالفت آمریکا به بانک ملحق شدند و هدف خود را جلوگیری از تسلط چین بر این نهاد و تضمین استانداردهای حکمرانی خوب اعلام کردند. بنابراین آن‌ها تلاش می‌کنند اولویت‌های نظم برتون وودز را در بانک پیاده کنند و نشان دهند این نهاد به دنبال بدیل‌سازی در نظم مالی جهان نیست. افزون بر این، دولت‌های غربی با تعریف استراتژی ایندو-پاسیفیک، پیمان آکوس و اتحاد چهارجانبه نشان داده‌اند که در برابر نظم‌سازی چین در آسیا، منفعل نیستند و راهبرد خاص خود را برای ترویج نظم لیبرال و مهار چین، دنبال می‌کنند.

۵-۲-۲. تصور تهدید نسبت به ظهور اقتصادی چین

«چین‌هراسی»^۱ و ادراک تهدیدآمیز نسبت به جمهوری خلق چین، پدیده‌ای است که همراه با ظهور جهانی این دولت، رشد کرده است. درباره علل چین‌هراسی می‌توان به

منابعی همچون ژئوپلیتیک، اقتصادی و ایدئولوژیک اشاره کرد که در اینجا صرفاً دلایل اقتصادی این پدیده مورد توجه هستند.

رشد اقتصادی شتابان چین توجه دنیا را به خود جلب کرده به گونه‌ای که رشد آن از متوسط رشد اقتصاد جهان، بالاتر است. تولید ناخالص داخلی چین از ۳۰۰ میلیارد دلار در دهه ۱۹۸۰ به ۱۸ تریلیون دلار در ۲۰۲۲ صعود کرده است (Statista, 2022). این رشد سریع، توانمندی‌های بی‌چیننگ را به‌طور چشمگیری در بازار جهانی کالا، خدمات و سرمایه‌گذاری افزایش داده و خود را در قالب پروژه‌هایی همچون ابتکار کمربند و جاده نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری‌های گسترده چین در نقاط گوناگون جهان نیز بدبینی‌ها را نسبت به چین افزایش داده است. تحلیل‌گران این سرمایه‌گذاری‌ها را که بدون ملاحظات حقوق بشری صورت می‌گیرد، مقدمه‌ای برای نفوذ سیاسی چین می‌دانند. منتقدان به وام‌های کلان چین به دولت‌های در حال توسعه نیز اشاره و از آن با عنوان «تله بدهی»^۱ یاد می‌کنند. این مفهوم به وام‌هایی اشاره می‌کند که چین به کشورهای مختلف پیشنهاد می‌کند. این وام‌ها معمولاً ریسک زیادی دارند و اغلب کشورهای دریافت‌کننده توان بازپرداخت آن را ندارند. این وام‌ها به دلایلی مشکل‌ساز هستند. نخست، این وام‌ها به زیرساخت‌ها تزریق می‌شود و در کوتاه‌مدت بازدهی ندارند. دومین مشکل به بهره بالای این وام‌ها بازمی‌گردد. سوم اینکه تجربه نشان می‌دهد کشورهای دریافت‌کننده وام با مشکل بازپرداخت مواجه می‌شوند. چین در این شرایط امتیازهای اقتصادی مانند بهره‌برداری بلندمدت از معادن و بندرها یا واگذاری پایگاه نظامی را پیش‌بینی کرده است. نکته دیگر در مورد تصور تهدید نسبت به ظهور اقتصادی چین، رویکرد نو مرکانتالیستی و حمایت دولت این کشور از شرکت‌های چینی است که برای دیگر کشورها پیامدهای منفی به دنبال می‌آورد زیرا در مبادلات دوجانبه چین با دیگر دولت‌ها، تراز تجاری به زیان آن‌ها منفی می‌شود (Singh, 2020, p. 245).

اما در مورد بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا نیز با توجه به نقش مسلط چین و حق رأی بالا و سهام قابل توجه آن، تردیدهایی درباره نیت چین پدید آمده است. تحلیل‌گران به‌ویژه محافل غربی، نقش مسلط چین در بانک را در راستای پیشبرد سیاست نفوذ چین در سراسر آسیا و رقابت با اقتصادهای بزرگ آسیا همچون هند و ژاپن تفسیر می‌کنند. افزون بر این، منتقدان نگران تکرار تله بدهی در قالب این بانک

هستند به‌ویژه که اکثر اعضای بانک، کشورهای در حال توسعه و فقیر و نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی هستند. نمونه‌هایی از بحران بدهی کشورهای چون بنگلادش، سریلانکا، برخی کشورهای آسیایی مرکزی و آفریقایی، نگرانی‌ها را در مورد نفوذ فراینده چین تأیید می‌کنند (چگنی‌زاده و رضوی، ۱۴۰۱، ص. ۱۷). ارائه وام از سوی این بانک بدون پیش‌شرط خاصی، ناظران را در مورد تله بدهی نگران کرده است. به‌ویژه این نگرانی با توجه به این‌که وام‌های قابل توجهی برای پیشبرد پروژه‌های ابتکار کمربند و جاده چین اختصاص یافته، مضاعف شده است.

۵-۲-۳. چالش‌های فرا روی یوآن به‌مثابه یک ارز قدرتمند جهانی

یک نهاد مالی همچون بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا برای افزایش نفوذ و تأثیرگذاری خود در نظام مالی بین‌الملل، باید از پشتوانه پولی قدرتمندی برخوردار باشد. چین در یک دهه اخیر در راستای تلاش‌های خود برای اصلاح حکمرانی اقتصادی جهانی، به بین‌المللی کردن یوآن اقدام کرده است. اما دلار همچنان با فاصله چشمگیر نسبت به دیگر ارزها از جمله یورو، ین و یوآن، در موقعیت هژمونیک قرار دارد. عواملی همچون بازبودن اقتصاد ایالات متحده، ثبات سیاسی، شفافیت، حاکمیت قانون و عمق بازارهای مالی در کنار قدرت سیاسی و نظامی واشنگتن در نظام بین‌الملل، به تداوم برتری دلار در اقتصاد جهانی کمک کرده‌اند. آن‌چنان‌که جدول شماره (۵) نشان می‌دهد، در آوریل ۲۰۲۳، سهم دلار در پرداخت‌های بین‌المللی (سوئیفت) ۵۹/۷۴ درصد بوده و یوآن کمتر از ۲ درصد را به خود اختصاص داده است (Statista, 2023). افزون بر این، دلار ۵۹ درصد از ذخایر ارزی جهان را شامل شده درحالی‌که این رقم برای یوآن، ۳ درصد است (IMF, 2023).

جدول شماره ۵: جایگاه ارزهای جهانی در نظام مالی بین‌المللی

ارزهای جهانی	سهم در پرداخت‌های بین‌المللی در آوریل ۲۰۲۳	سهم در ذخایر ارزی جهان در ۲۰۲۲
دلار آمریکا	۵۹/۷۴٪	۵۹٪
یورو	۱۱/۴۶٪	۲۰٪
ین ژاپن	۵/۸۵٪	۵٪
پوند بریتانیا	۵/۶۵٪	۵٪
یوآن چین	۱/۹۳٪	۳٪

Source: Statista & IMF, 2023

یوان برای رسیدن به جایگاه یک ارز جهانی قابل اعتماد و پذیرش بین‌المللی، با چالش‌های سیاسی و اقتصادی گوناگونی مواجه است که در ادامه به اختصار مورد تحلیل قرار می‌گیرد. اولاً ارزش یوان براساس عرضه و تقاضای بازار تعیین نمی‌شود و این امر تحت کنترل و مداخله دولت قرار دارد. این نوع مداخله دولت در تعیین نرخ ارز، پذیرش بین‌المللی یوان را از سوی کنشگران اقتصادی جهان با محدودیت مواجه می‌کند. چالش دوم، معطوف به عدم شفافیت در نظام مالی چین است به طوری که کارشناسان معتقدند تصمیم‌ها در این حوزه در یک اتاق بسته صورت می‌گیرد. سومین چالش ناظر بر عمق بازار سرمایه است. کارشناسان معتقدند بازارهای سرمایه چین هنوز براساس استانداردهای جهانی توسعه نیافته و در دسترس سرمایه‌گذاران بین‌المللی نیست. چهارمین چالش، معطوف به نظام سیاسی است. یک نظام سیاسی باز و باثبات، اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به حکومت را افزایش می‌دهد. اما نظام سیاسی چین، اقتدارگرا و بسته است و این مسئله موجب بی‌اعتمادی کنشگران اقتصادی خارجی به دولت چین می‌شود و جلب اعتماد بانک‌ها و مؤسسات مالی بین‌المللی به یوان را با دشواری مواجه می‌کند (Li & Zhang, 2017, pp. 25-30).

به نظر می‌رسد با توجه به چالش‌های یادشده و نقش مسلط دلار در نظام پولی بین‌الملل، یوان مسیر طولانی و بسیار دشواری برای نقش‌آفرینی به‌عنوان یک ارز جهانی و رقیب دلار پیش روی خود دارد. اگرچه تحلیلگران یوان را محتمل‌ترین گزینه برای تضعیف موقعیت دلار می‌دانند اما باید این واقعیت‌ها را در نظر گرفت که دلار، ارز اصلی در مبادلات مالی، تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری توسط دولت‌ها و کنشگران غیردولتی محسوب می‌شود و بخش عمده ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی جهان را نیز به خود اختصاص داده و از پشتوانه قدرت ساختاری آمریکا در نظام بین‌الملل نیز برخوردار است. بنابراین هنوز زود است که از جایگزینی یوان با دلار، بحث شود. اگرچه این امر در بلندمدت قابل‌تصور است اما تحقق آن به این امر بستگی دارد که چین تا چه اندازه اقتصاد و بازار مالی خود را از کنترل دولت خارج می‌کند و آن را براساس استانداردهای جهانی آزادسازی و شفاف کند.

نتیجه‌گیری

بحث پیرامون آینده نظم بین‌المللی که از برتون وودز به‌جامانده، توجه پژوهشگران روابط بین‌الملل را به خود جلب کرده است. یکی از هیجان‌انگیزترین بخش‌های این مناظره، ترتیبات نهادی و نقش آن در انتقال قدرت است. این موضوع به‌ویژه با توجه

به ظهور چین و رویکرد اصلاح‌طلبانه آن در قبال نظم نهادی موجود، برجسته‌تر می‌شود. در این پژوهش استدلال شد که چین به دنبال اصلاح نهادهای برتون وودز است و انتظار دارد نقشی متناسب با وزن و جایگاه خود در اقتصاد جهانی و نهادهای بین‌المللی، ایفا کند. چین در این مسیر، با واکنش‌های مثبتی از سوی قدرت‌های غربی مواجه نشد و پس از ناامیدی از اصلاح، راهبرد نهادسازی موازی را اتخاذ کرد. بیجینگ امیدوار است با تأسیس نهادهای جدید همچون بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، حکمرانی اقتصادی جهانی را براساس منافع و ارزش‌های خود، بازسازی کند.

پژوهش حاضر با اتکا به نقش قدرت نهادی در انتقال قدرت و بررسی نمونه‌هایی در تاریخ روابط بین‌الملل، شاخص‌های این نوع قدرت را استخراج کرد. نویسندگان استدلال کردند که تأسیس نهادهای بین‌المللی توسط قدرت‌های تجدیدنظرطلب، نقش مهمی در رسیدن به موقعیت هژمونیک ایفا می‌کنند. با بررسی قدرت نهادی و مزایای آن، نشان داده شد که این نوع قدرت به دولت‌های تجدیدنظرطلب در ارائه کالای عمومی، ترویج ارزش‌های جدید، تقویت قدرت مالی و تصویرسازی به‌عنوان یک قدرت بزرگ و مسئولیت‌پذیر، کمک می‌کند.

امروزه چین به‌عنوان یک قدرت تجدیدنظرطلب و مهم‌ترین رقیب ایالات متحده آمریکا، توجه ویژه‌ای به قدرت نهادی نشان می‌دهد و با تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، نارضایتی خود از نهادهای مالی بین‌المللی و عزم جدی خویش برای بازسازی آن را به نمایش گذاشت. نویسندگان مقاله، شاخص‌های قدرت نهادی این بانک و چالش‌ها و فرصت‌های آن در بحث انتقال قدرت را تحلیل کردند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا به‌مثابه قدرت نهادی، فرصت‌هایی همچون معرفی چین به‌عنوان قدرت مسئولیت‌پذیر، بین‌المللی‌سازی یوآن و ترویج ارزش‌های آسیایی را فراهم می‌کند. به نظر نویسندگان، مجموع این فرصت‌ها، چین را به‌عنوان یک قدرت مسئولیت‌پذیر به جهان معرفی می‌کند که در نظم بین‌المللی، کالای عمومی تأمین می‌کند و سهم خویش را در توسعه و امنیت جهان می‌پردازد و می‌خواهد همگان از رشد آن، بهره‌مند شوند. بنابراین، قدرت نهادی به بیجینگ کمک می‌کند تا خود را از اتهام سواری مجانی، مُبرا سازد و نشان‌دهنده به دنبال اصلاح جنبه‌های ناعادلانه نظم بین‌المللی است و اضمحلال نظم را در سر نمی‌پروراند. در کنار فرصت‌های یادشده، چالش‌هایی همچون نهادینگی سیستم برتون وودز، تصور تهدید نسبت به چین و چالش‌های نقش‌آفرینی یوآن

به‌عنوان یک ارز جهانی نیز وجود دارند. از دیدگاه نویسندگان، مهم‌ترین چالش، نهادینگی سیستم برتون وودز است که در تمام جنبه‌های نظم اقتصادی جهان رسوخ کرده است. این سیستم، قواعد و هنجارهای تعامل میان کنشگران را تعریف کرده و از پشتیبانی قدرت‌های غربی به‌ویژه ایالات‌متحده برخوردار است. تغییر این نظم و جایگزینی آن با ترتیبات نوین، نیازمند افزایش قدرت چانه‌زنی چین برای همراه کردن سایر قدرت‌های بزرگ و دولت‌های ناراضی از نظم موجود است. چین در این مسیر باید تصویری مثبت از خود نشان دهد و با توسل به ابزارهای قدرت نرم، نقش پررنگ‌تری در حکمرانی اقتصاد جهانی ایفا کند. البته چین برای این امر نیازمند مقبولیت و پذیرش بین‌المللی و نشان‌دادن توانمندی‌های خود با استفاده از هنجارسازی، افزایش کمک‌های توسعه‌ای و احترام به ارزش‌های جهان‌شمول است. این پرسش که آیا قدرت‌های مسلط بر نظم جهانی، با واقعیتی به نام چین‌سازگار خواهند شد یا آن را در نظم موجود، ادغام خواهند کرد، می‌تواند موضوع محوری برای پژوهش‌های آینده پیرامون چین و نظم جهانی باشد.



فهرست منابع

- تقی‌زاده انصاری، محمد (۱۳۹۵). *چالش بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و هژمونی مالی اقتصادی آمریکا*. فصلنامه سیاست جهانی، ۵(۲)، صص. ۱۴۷-۱۷۶.
- چگنی‌زاده، غلامعلی؛ رضوی، حسین (۱۴۰۱). *ابتکار کمربند-راه و آثار راهبردی آن بر مناسبات هند و چین*. فصلنامه روابط خارجی، ۱۴(۵۴)، صص. ۱-۳۱.
- شفیع‌ی، نوذر (۱۴۰۱). *از جدایی اقتصادی تا پیوند بیشتر: تحلیلی بر آینده جنگ تجاری آمریکا علیه چین*. فصلنامه روابط خارجی، ۱۴(۱)، صص. ۱-۲۷.
- عباسی‌خوشکار، امیر (۱۴۰۱). *هویت متحول سیاست خارجی چین و راهبرد نظم‌سازی نهادی در دوره پسامائو*. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۱(۱)، صص. ۲۴۷-۲۶۷.
- کوهن، بنجامین جی (۱۳۹۹). *اقتصاد سیاسی بین‌الملل: تاریخ اندیشه*، ترجمه علی بغیری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- میرترابی، سید سعید؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ منوری، سیدعلی؛ کشوریان آزاد، محسن (۱۳۹۹). *ابتکار چندجانبه‌گرایی مالی چین و چالش نظم مالی بین‌المللی (۲۰۰۸-۲۰۱۹)*. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۳(۲)، صص. ۳۸۳-۴۰۸.
- میرترابی، سعید؛ نصیرزاده، محمد؛ کریمی، غلامرضا (۱۴۰۰). *موقعیت هژمونیک دلار و چشم‌انداز چالش آن توسط یورو و یوآن*. فصلنامه روابط خارجی، ۱۳(۴)، صص. ۷۱۵-۷۵۳.

References

- Asian Infrastructure Investment Bank (14 June 2022). *Members and Prospective Members of the Bank*. <https://www.aiib.org/en/about-aiib/governance/members-of-bank/index.html>
- Barcellos, Fernando (2018). American Structural Power within International Financial Governance: from Bretton Woods to Globalization. *Brazilian Journal of International Relations*, 7(2), 390-414. <https://doi.org/10.36311/2237-7743.2018.v7n2.09.p390>
- Bussmann, Margit & Oneal, John R. (2007). Do Hegemons Distribute Private Goods? A Test of Power-Transition Theory. *Journal of Conflict Resolution*, 51(1), 88-111. <https://doi.org/10.1177/0022002706296178>
- CTGN (14 June 2022). *What Has AIIB Achieved As It Turns Five?* <https://news.cgtn.com/news/2020-12-25/Graphics-What-has-AIIB-achieved-as-it-turns-five--WvGieTKKAg/index.html>
- D. Stephen, Matthew & Skidmore, David (2019). The AIIB in the Liberal International Order. *The Chinese Journal of International Politics*, 12(1), 61-91. <https://doi.org/10.1093/cjip/poy021>
- Deng, Yong (2014). China: The Post-Responsible Power. *The Washington Quarterly*, 37(4), 117-132. <https://doi.org/10.1080/0163660X.2014.1002159>
- Ella, Doron (2020). Balancing Effectiveness with Geo-Economic Interests in Multilateral Development Banks: The Design of The AIIB, ADB and The World Bank in a Comparative Perspective. *The Pacific Review*, 34(6), 1022-1053. <https://doi.org/10.1080/09512748.2020.1788628>
- F. Paradise, James (2019). China's Quest for Global Economic Governance Reform. *Journal of Chinese Political Science*, 24(3), 471-493. <https://doi.org/10.1007/s11366-019-09610-5>
- Hameiri, Shahar & Jones, Lee (2018). China Challenges Global Governance: Chinese International Development Finance and The AIIB. *International Affairs*, 94(3), 573-593. <https://doi.org/10.1093/ia/iyy026>
- Hellenic Shipping News (14 June 2022). *As of 2021, China Imports More Liquefied Natural Gas Than Any Other Country..*
- Hubbard, Paul & Callaghan, Mike (2016). The Asian Infrastructure Investment Bank: Multilateralism on the Silk Road. *China Economic Journal*, 9(2), 116-139. <https://doi.org/10.1080/17538963.2016.1162970>
- Ikenberry, G. John (2005). Power and Liberal Order: America's Postwar World Order in Transition. *International Relations of the Asia-Pacific*, 5(2), 133-152. <https://doi.org/10.1093/irap/lci112>
- International Monetary Fund (14 June 2022). *IMF Members' Quotas and Voting Power, and IMF Board of Governors*. <https://www.imf.org/en/About/executive-board/members-quotas>

- Jacques, Martin (2009). *When China Rules the World: The End of the Western World and the Birth of a New Global Order*, New York: Penguin.
- Lacher, Hannes & Germann, Julian (2012). Before Hegemony: Britain, Free Trade, and Nineteenth-Century World Order Revisited. *International Studies Review*, 14(2), 99–124.
- <https://doi.org/10.1111/j.1468-2486.2012.01100.x>
- Li, Chang & Zhang, Xiaojing (2017). Renminbi Internationalization in the New Normal: Progress, Determinants and Policy Discussions. *China & World Economy*, 25(2), 22-44. <https://doi.org/10.1111/cwe.12192>
- Liang, Wei (2020). China's Institutional Statecraft Under Xi Jinping: Has the AIIB Served China's Interest?. *Journal of Contemporary China*, 30(128), 283-298. <https://doi.org/10.1080/10670564.2020.1790903>
- Lim, Yves-Heng (2015). How (Dis)Satisfied is China? A Power Transition Theory Perspective. *Journal of Contemporary China*, 24(92), 280-297. <https://doi.org/10.1080/10670564.2014.932160>
- Liping, Xia (2001). China: A Responsible Great Power. *Journal of Contemporary China*, 10(26), 17-25. <https://doi.org/10.1080/10670560125308>
- Loke, Beverley (2017). China's Economic Slowdown: Implications for Beijing's Institutional Power and Global Governance Role. *The Pacific Review*, 31(5), 673-691. <https://doi.org/10.1080/09512748.2017.1408674>
- Ly, Bora (2020). The Nexus of BRI and Internationalization of Renminbi (RMB). *Cogent Business & Management*, 7(1), 1-21. <https://doi.org/10.1080/23311975.2020.1808399>
- Ly, Bora (2021). China Quest for Global Governance Overhaul. *Cogent Social Sciences*, 7(1), 1-16. <https://doi.org/10.1080/23311886.2021.1932031>
- M. Ong, David (2017). The Asian Infrastructure Investment Bank: Bringing 'Asian Values' to Global Economic Governance?. *Journal of International Economic Law*, 20(3), 535-60. <https://doi.org/10.1093/jiel/jgx025>
- Ramos Codeço, Rafael (2017). AIIB, NDB and the Internationalisation of the Renminbi. *Contemporary Chinese Political Economy and Strategic Relations*, 4(3), 821-868.
- Saad Zaidi, Syed Muhammad & Saud, Adam (2021). Ascent of the Dragon: China's Growing Role in Global Affairs. *Asian Journal of Political Science*, 29(2), 151-168. <https://doi.org/10.1080/02185377.2021.1915171>

- Singh, Ajit (2020). The Myth of ‘Debt-Trap Diplomacy’ and Realities of Chinese Development Finance”, *Third World Quarterly*, 42(2), 239-253. <https://doi.org/10.1080/02185377.2021.1915171>
- Statista (14 June 2022). *Annual Outflow of Foreign Direct Investment (FDI) from China Between 2010 and 2020*. <https://www.statista.com/statistics/858019/china-outward-foreign-direct-investment-flows/>
- Statista (14 June 2022). *The 20 countries with the largest gross domestic product (GDP) in 2022*. <https://www.statista.com/statistics/268173/countries-with-the-largest-gross-domestic-product-gdp/>
- Statista (14 June 2022). *Value of Foreign Direct Investment (FDI) Inflows to China from 2010 to 2021*. <https://www.statista.com/statistics/1016973/china-foreign-direct-investment-inflows/>
- Statista (14 June 2023). *Most Used Currency in the World For International Payments in SWIFT from January 2019 to April 2023*, <https://www.statista.com/statistics/1189498/share-of-global-payments-by-currency/>
- Strange, Susan (1988) *States and Markets*, London: Pinter Publishers.
- The National News (14 June 2023). *China's Yuan Gains Traction as International Trade Settlement Currency*. <https://www.thenationalnews.com/business/2023/04/05/chinas-yuan-gains-traction-as-international-trade-settlement-currency/>
- The World Bank (14 June 2022). *Voting Powers*, <https://www.worldbank.org/en/about/leadership/votingpowers>
- Wahed, Mohammad Shakil (2017) (China's Current Role in Global Economic Governance: Pushing for Gradual Changes by Remaining within the System. *Cambridge Journal of China Studies*, 12(1), pp. 1-10. <https://doi.org/10.17863/CAM.21523>
- Wang, Hongying (2019). The New Development Bank and the Asian Infrastructure Investment Bank: China's Ambiguous Approach to Global Financial Governance. *Development and Change*, 50(1), 221-244. <https://doi.org/10.1111/dech.12473>
- World's Top Exports (14 June 2022). *Crude Oil Imports by Country*. <https://www.worldstopexports.com/crude-oil-imports-by-country>
- Xie, Tao & Han, Donglin (2019). In the Shadow of Strategic Rivalry: China, America, and the Asian Infrastructure Investment Bank. *Journal of Contemporary China*, 28(120), 916-931. <https://doi.org/10.1080/10670564.2019.1594104>
- Xinbo, Wu (2016). Cooperation, Competition and Shaping The Outlook: The United States and China's Neighbourhood Diplomacy. *International Affairs*, 92(4), pp. 849-867. <https://doi.org/10.1111/1468-2346.12651>

- Yu, Hong (2016) Motivation behind China's 'One Belt, One Road' Initiatives and Establishment of the Asian Infrastructure Investment Bank. *Journal of Contemporary China*, 26(105), 353-368. <https://doi.org/10.1080/10670564.2016.1245894>
- Zeng, Jinghan (2019). Chinese Views of Global Economic Governance. *Third World Quarterly*, 40(3), 578-94. <https://doi.org/10.1080/01436597.2018.1552828>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی